

وسایل شیفت فاز الکترومکانیکی

علاوه بر شیفت دهنده های فاز الکترونیکی، وسایل الکترومکانیکی برای تغییر فاز در رادارهای آرایه فازی، مخصوصاً در مدل‌های اولیه به کار گرفته شده بودند. گرچه شیفت دهنده های الکترومکانیکی در حال حاضر کاربرد وسیعی ندارند، برای بازگویی تنوع وسایلی که در آنتن های آرایه ای به کار گرفته می شوند این نوع شیفت دهنده ها در این مبحث تشریح می شوند.

یکی از اولین و ساده ترین شیفت دهنده های فاز الکترومکانیکی، یک خط انتقال است که طولش به صورت مکانیکی و توسط یک بخش تلسکوپی تغییر می کند. این وسیله، خط کشنده نامیده می شود. بخش تلسکوپی ممکن است به شکل U باشد، و طول خط توسط روشی شبیه به ساز بادی تغییر می کند. خط کشنده (linestretcher) اغلب در کابل کواکسیال به کار گرفته می شود. یک خط کشنده مکانیکی شیفت فاز بیشتری را نسبت به خط کشنده متداول در شیفت دهنده فاز خط مارپیچ می دهد. سرعت فاز در یک خط انتقال مارپیچ به میزان قابل توجهی کمتر از سرعت نور است. به این دلیل یک حرکت مکانیکی مطلوب، تغییر فاز بیشتری را نسبت به یک خط کشنده در خط انتقال متداول تولید می کند. بنابراین یک شیفت دهنده فاز کوتاهتر، مخصوصاً در باندهای فرکانسی VHF و UHF مفید می باشد. کاهش در طول ابعاد معادل با ضریب پایانی از مارپیچ می باشد، که این ضریب برابر با نسبت محیط به ارتفاع حلقه می باشد.

ضرایب پایانی مارپیچ در طرحهای عملی بین ۱۰ تا ۲۰ می باشند. نه کابل
کواکسیال و نه خط کشنده مارپیچی، هیچ کدام برای فرکانسهای بالاتر
مایکروویو مناسب نمی باشند. یک وسیله موجبری متناسب برای فرکانسهای
بالا، متناظر با خط کشنده است، که این خط کشنده همانند T جادویی عمل می
کند. یک تغییر در طول خط، یا یک تغییر متناظر در فاز، در T جادویی و توسط
مدارات کوتاه قابل تنظیم در بازوهای که روی یک خط قرار دارند، تولید می
شود. استفاده از مدارات کوتاه قابل تنظیم در هایبرید شکاف کوتاه تا حدی
برای آرایش مکانیکی مناسب تر است. شیفت دهنده فاز الکترومکانیکی دیگری
که در آرایه رادار به کار گرفته شده است، شیفت دهنده فاز مکانیکی بازوی
چرخان می باشد. این شیفت دهنده شامل تعدادی خط انتقال هم مرکز می باشد.
هر خط، یک میان موج سه پهلو همراه با یک رسانای عایق بندی شده می باشد.
یک بازوی محرک تماس را با هر تجمع دایروی حاصل می کند. بازوها به
منظور تولید یک تغییر پیوسته و یکنواخت از فاز در عرض المانهای آرایه می
چرخند. زمانی که فاز در یک سر خط هم مرکز افزایش می یابد، در سر دیگر
خط فاز کاهش می یابد. در نتیجه یک خط میتواند توسط دو المان، تغییر فاز
لازم را ایجاد کند، که این دو المان می توانند در دو طرف مرکز آرایه جای
گیرند. تعداد $\frac{N}{2}$ حلقه های هم مرکز، برای یک آرایه خطی (N+1) المانه مورد

نیاز است. چندین روش برای تولید شیفت فاز وجود دارد که خواص پلاریزاسیون دایروی را به کار می گیرند. یکی از اولین وسایلی که پلاریزاسیون دایروی را به کار گرفت، انتشار امواج در گرداگرد موجبر، یا به عبارتی شیفت دهنده فاز Fox بوده. شیفت دهنده فاز موجبر چرخان در جنگ جهانی دوم و توسط آزمایشگاههای تلفن بل و در رادارهای مروری FH MUSA یا MK8 مورد استفاده قرار می گرفت. این اولین رادار US برای استفاده در آنتن آرایه فازی با شیفت دهنده فاز و به منظور هدایت بیم بود. این آرایه S-band که دارای ۴۲ المان بود ± 9 درجه را در عرض ۱۰ ثانیه مرور کرد. وسایل منسوبی که تغییر فاز را توسط چرخش نسبی از دیپلهای متقاطع به دست می آوردند، در یک هدایت دایروی یا کویتی توسط کومر توصیف شده‌اند. یک شکل متفاوت از هدایت مکانیکی بیم در یک آرایه با المانهای آنتن مارپیچی استفاده میشود.

بیم پلاریزه خطی توسط یک صفحه آرایه دو بعدی تشعشع میشود. یک درجه چرخش مکانیکی متناظر است با تغییر فاز یک درجه الکتریکی. وسایل شیفت فاز اضافی، مورد نیاز نیستند. یک آرایه از المانهای مارپیچ یک آنتن مروری ساده را می سازد. این آنتن عمدتاً در کاربردهایی که المان باند عریض مورد نیاز است و قدرت هم زیاد بالا نیست، مفید می باشد. تمامی مجموعه ها شامل سردکنهای مارپیچی و شبکه های تغذیه، و نه اتصال چرخان می توانند توسط

تکنیک های مدار چاپی تولید شود. المانهای سردکن ماریچی برای شیفتهای فاز در آرایه مورد استفاده واقع می شوند. تغییر در فاز در موجبر فرستنده ممکن است توسط تغییر مکانیکی ابعاد موجبر حاصل شود. یک وسیله مشابه که برای رادارهای عملی مورد استفاده قرار گرفته بود، مرورگر Eagle یا delta-a بود. عبارت اخیر توصیفی است از این واقعیت که سرعت انتشار و در نتیجه سرعت فاز، از یک سیگنال که در موجبر منتشر می شود، وابسته به پهنای موجبر یا بعد a موجبر می باشد. این تکنیک شیفت فاز برای رادار (GCA ground control approach: شیوه کنترل زمینی) با مرور مکانیکی

بیم ها در زوایای سمت و ارتفاع مورد استفاده قرار می گرفت.

شیفت دهنده های فاز مکانیکی، البته مانند وسایل الکترونیکی سریع نیستند و قادر به انتخاب یک مقدار تصادفی از فاز هم نیستند. بنابراین، این موضوع امکان پذیر است که با چندین وسیله الکترومکانیکی مرور بیم را روی سطح پوشش خود بیم با آهنگ ده بار در ثانیه (زمان سوئیچ 0.1 ثانیه) که به اندازه کافی برای بسیاری از کاربردها سریع می باشد، انجام دهیم.

۳-۴- آرایه های مرور فرکانس FREQUENCY - SCAN ARRAYS

تغییر در فرکانس سیگنال الکترومغناطیس و در امتداد خط انتقال تغییری را در فاز ایجاد می کنند. همانند مطلبی که در رابطه (۱۵-۳) ارائه شد. این موضوع یک وسیله نسبتاً ساده برای ایجاد شیفت فاز الکترونیکی، فراهم می کند. گرچه

تغذیه موازی برای یک آرایه مرور فرکانس، امکان پذیر است، ولی معمولاً استفاده از آرایه تغذیه سری ساده تر می باشد. شکل (۳-۷). زمانی که خط اتصال انتقال دهنده المان های مجاور، در مقایسه با شیفت دهنده های فاز معمولی، باریک باشد، آرایش تغذیه سری می تواند در آرایه های مرور فرکانس و بدون افت اضافی به کار رود.

شکل ۳-۷- آرایه خطی مرور فرکانس با تغذیه سری

اختلاف فاز بین دو المان مجاور در آرایه تغذیه سری شکل ۳-۷ به قرار زیر است:

$$\phi = 2\pi fl / v = 2\pi l / \lambda \quad (3-16)$$

که در آن:

F: فرکانس سیگنال الکترومغناطیسی

L: طول اتصال دهنده المان های مجاور (کلاً بزرگتر از فاصله بین المانهاست)

V: سرعت انتشار در خط انتقال

λ : طول موج

به خاطر سهولت در مسئله، سرعت انتشار برابر سرعت نور (c) در نظر گرفته می شود. این موضوع به خطوط کوکسیال یا ترکیبات

مشابه با آن که مد TEM را منتشر می کنند، مربوط می شود.

اگر بیم اصلی در جهت θ باشد، اختلاف بین المانها باید

$2\pi(d/\lambda)\sin\theta$ باشد. در یک آرایه مرور فرکانس، جمع شدن مضروب

صحیح از 2π رادیان با اختلاف فاز مربوطه، معمولاً ضروری است.

این موضوع باعث می شود که یک زاویه مروری، توسط یک تغییر

فرکانس کوچکتر نیز حاصل شود. این به آن معنی است که عدد

صحیح m در 2π رادیان ضرب می شود. با معادل شمردن این

اختلاف فاز و شیفت فاز حوصله از خط به طول l معادله ۱۶-۴ ایجاد

می شود، اکنون داریم:

$$\phi = 2\pi(d/\lambda)\sin\theta + 2\pi m = 2\pi l/\lambda \quad (3-17a)$$

$$\sin\theta = -\frac{m\lambda}{d} + \frac{l}{d} \quad \text{یا} \quad (3-17b)$$

زمانی که بیم در موقعیت بروساید باشد ($\theta=0$) معادله (۳-۱۷b) (۴-۱۷b)

نتیجه می دهد که $m = l/\lambda$ که در آن λ طول موج متناظر با بیم در

موقعیت بروساید می باشد. فرکانس متناظر نیز f است و موقعیت

بین به قرار زیر می باشد:

$$\sin \theta_1 = \frac{1}{d} \left(1 - \frac{\lambda}{\lambda} \right) = \frac{1}{d} \left(1 - \frac{f}{f} \right) \quad (3-18)$$

اگر بیم تا حدود زوایای $\pm \theta_1$ بچرخد، انحراف طول موج $\Delta \lambda$ توسط

رابطه زیر ارائه می شود:

$$\sin \theta_1 = \frac{1}{2d} \frac{\Delta \lambda}{\lambda} \quad (3-19)$$

بنابراین بین انحراف طول موج و طول موج واقعی در خط اتصال دهنده المانها، یک مبادله وجود دارد.

یک رادار مرور فرکانس به یک بخش مهم از باند موجود در رادار، به

منظور اختصاص دادن به حساسیت بیم، احتیاج دارد. گرچه این

روش، روش ساده ای برای هدایت الکترونیکی بیم است، ولی معمولاً

از باند فرکانسی برای مقاصد دیگر استفاده نمی شود. اگر پالس خیلی

کوتاه (سیگنالهای با پهنای خیلی وسیع) در آرایه مرور فرکانس به

کار رود، شکل پترن کج و کوله خواهد شد. دو روش مشابه برای

بررسی این محدودیت وجود دارد. در بررسی ویژگی حوزه فرکانسی، هر جزء وابسته به طیفی از فرکانس متناظر با یک جهت مختلف می باشد. اگر سیگنال، شامل اجزاء فرکانس گسترده ای باشد، بیم برای ناحیه ای ناموزون و بزرگتر از پهنای بیم خودش گسترده خواهد شد. متناوباً از شروع زمان تأخیر مورد بررسی پالس فشرده تأثیرگذار برای ورودی آرایه، تغذیه شری (شکل ۱۷-۳) یک زمان محدود برای حرکت در انتهای خط انتقال لازم دارد.

در رابطه (۱۸-۳) سرعت انتشار در خط انتقال برابر سرعت نور بود. با این وجود، برای خطوط انتقال در یک آرایه مرو فرکانس، سرعت انتشار با فرکانس تغییر می کند، به عبارت دیگر آنها پراکنده کننده می باشند.

یک موجبر نمونه ای از خط پراکنده کننده می باشد. سرعت در مقایسه با مشخصات فرکانسی در خطوط انتقال می تواند یک مزیت به شمار رود و حساسیت فرکانسی بیشتری ایجاد کند. به عبارت دیگر، یک ضریب پایانی کوچکتر می تواند برای زاویه مرور و

انحراف فرکانسی، حاصل شود. یک طرح اولیه از یک موجبر تا شده برای تحریک، ارایه ای که شامل موجبرهای شیارشیار شده است. در

شکل ۳-۸ نشان داده شده است. این نوع از تغذیه، به عنوان تغذیه مارپیچ، پیچاپیچ یا پیچ اندر پیچ، شناخته می شود.

سایر خطوط انتقال موج آهسته ای که می تواند برای این نوع تغذیه به کار روند عبارتند از: موجبر استوانه ای و موجبر شیار داده شده.

پیکربندی شکل ۳-۸ می تواند برای مرور بیم مدادی شکل در زاویه ارتفاع استفاده شود، البته با چرخش مکانیکی که مرور بیم مداری شکل در زاویه ارتفاع استفاده شود، البته با چرخش مکانیکی که مرور زاویه سمت را انجام می دهد. AN/SPS-48 شکل ۳-۹، یک نمونه

عملی می باشد. این رادار، یک رادار مرور فرکانس است که در بسیاری از ناوهای ایالات متحده آمریکا مورد استفاده قرار می گیرد.

این رادار برای اندازه گیری زوایای سمت و ارتفاع هدفهای هوایی به کار می رود.

شکل ۸-۳- آنتن فرکانس «آرایه صفحه ای» شامل یک موجبر تا شده، تغذیه خط تأخیر، یک دستگاه از موجبر که همگی با تشعشع شیارها در جداره نازک موجبر تطبیق داده شده اند.

این رادار گاهی اوقات رادار ۲D نامیده می شود، با وجود سومین محور مختصات علاوه بر آن دو محور. رادار AN/SPS-48 چندین فرکانس را تشعشع می کند، به خاطر این که به طور همزمان چندین بیم را تولید کند و این عمل را به این دلیل انجام می دهد که آهنگ مرور بیشتری نسبت به حالت تک بیم داشته باشیم.

وقتی که محدوده هدف کمتر از زاویه ارتفاع افزایش می یابد. همان طور که قدرت انتقالی کاهش می یابد، زاویه ارتفاع افزایش می یابد (این موضوع، گاهی اوقات، برنامه ریزی توان نامیده می شود).

در یک کاربرد مربوط به کشتی، کنترل مرور زاویه ارتفاع می تواند برای ثبات الکترونیکی موقعیت بیم و جبران حرکت کشتی مورد استفاده قرار گیرد.

شکل ۹-۳- آنتن رادار مرور فرکانسی AN/SPS-48

در یک رادار مرور فرکانس معمولی، بیم در هر تجزیه باطری (پهنای بیم) برای یک وقفه یا چندین وقفه تکرار پالس، جای می گیرد. روش دیگر برای به کارگیری حوزه فرکانس به منظور مرور ناحیه ناموزون، تشعشع یک پالس تنظیم فرکانس منفرد با یک باند مدولاسیون عریض می باشد. با انجام این عمل، بیم روی تمامی سطح ناحیه ناموزون مرور می شود. بنابراین، با تداوم تحریک پالس منفرد، بیم آنتن، تمامی زوایا را مرو می کند. این عمل گاهی اوقات، مرور فرکانس در محدوده پالس (within pulse) نامیده می شود.

شکل موج انتقالی شبیه شکل موج متراکم پالس تنظیم فرکانس می باشد. فرکانسهای حاصل از هر پالس پژواک برگشتی به رادار و توسط زاویه ارتفاع هدفها، مشخص خواهند شد. گیرنده مجموعه ای از فیلترها را به کار می گیرد، هر تنظیمی برای یک فرکانس حامل متفاوت، به ترتیب متناظر با یک زاویه متفاوت می باشد. این مطلب متناظر با خروجی ماتریس شکل بیم است. مانند بخش ۷-۳ شماره فیلترها به پهنای بیم آنتن و تمامی پوشش ناموزون بستگی دارد.

پهنای باند Δf_B از این فیلترها توسط تغییر فرکانس مورد نیاز نسبت به مرور بیم آنتن در یک پهنای بیم، مشخص می شود. پهنای باند

برابر است با:

$$\Delta f_B = \frac{df}{d\theta} \theta_B = \frac{df}{d\theta} \frac{\lambda}{D} \quad (3-22)$$

که در آن:

$$\theta_B = \text{پهنای بیم و } D = \text{قطر دهانه}$$

با جایگذاری معادله (۳-۱۸) در معادله فوق خواهیم داشت:

$$\Delta f_B = \frac{f}{f} \frac{\cos \theta}{(l/d)(D/c)} \quad (3-23)$$

زمان t_D لازم برای عبور سیگنال از داخل تغذیه مارپیچی برابر است با: $(l/d)(D/c)$. بنابراین در حوال بروساید ($\theta \approx 0$) پهنای باند

$$\Delta f_B \approx 1/t_D \text{ موجود برای پالس فشرده برابر است با}$$

سیگنال مدوله فرکانسی، پهنای باندی معادل $1/t_D$ را اشغال می کند، که این سیگنال می تواند به منظور تولید یک پالس باریک در خارج فیلتر فشرده ساز، متراکم شود. این روش، روشی برای ترکیب فرکانس مرور با پالس فشرده می باشد. تکنیک مرور

فرکانس، برای مرور یک بیم یا چندین بیم در مختصات زاویه ای منفرد، بسیار مناسب می باشد. یکی از ایرادهای آرایه مرور فرکانس دو بعدی، نیاز داشتن آن به یک باند عریض و محدود بودن آن در پهنای باند سیگنال می باشد.

۶-۳- انواع تغذیه برای آرایه ها

اگر تنها یک فرستنده و یک گیرنده در آرایه فازی به کار رود، باید برخی از قسمتهای شبکه برای اتصال تنها پورت گیرنده و یا پورت فرستنده به هر کدام از عناصر آنتن مورد استفاده قرار گیرند. مقسم قدرتی که برای اتصال عناصر آرایه به پورت مربوطه استفاده می شود تغذیه آرایه نامیده می شود.

یک آرایه صفحه ای، مسئله دارای پیچیدگی بیشتری می باشد. شکل ترکیب شدن خروجی های N پورت، یا برعکس با کمترین افت صورت می پذیرد. افت تغذیه آرایه که معادل با افت بهره قدرت آنتن می باشد، همیشه مورد بحث قرار نمی گیرد.

حداقل سه مفهوم پایه برای تغذیه یک آرایه وجود دارد. تغذیه

اجباری (constrained feed)، موجهرها یا سایر خطوط انتقال

ماکروویو را به موازات کوپلرها، اتصال دهنده ها، یا سایر وسایل

توزیع قدرت به کار می گیرد. مکان تغذیه، انرژی را بین یک آرایه

لنزی یا یک آرایه انعکاسی توزیع می کند. البته در روشی مشابه

با یک آنتن انعکاسی یا لنزی با (تغذیه نقطه ای) تغذیه صفحه ای

موازی، ساختارهای اصلی مایکروویو را به منظور ایجاد تقسیم

قدرتی عالی بکار می گیرد.

تغذیه اجباری شکل ۱۰-۳ یک آرایه مرورگر دو بعدی را که گاهی

اوقات تغذیه سری - موازی نامیده میشود، نشان می دهد. هر

المانی شیفت دهنده فاز مربوط به خودش را داراست. هر فرمان

جداگانه ای باید توسط کامپیوتر هدایت بیم آنالیز شود و به شیفت

دهنده فاز مربوط ارسال شود.

توزیع قدرت بین ستونها توسط تغذیه موازی صورت کی گیرد

اگر توزیع قدرت شده باشد، قدرت در هر ستونی یک تغذیه سری

با المانهای عمودی نشان داده می شود. اگر این تغذیه، یک تغذیه موازی بود، شاید نام آن تغذیه موازی - موازی گذاشته می شد.

(در اینجا تغذیه های سری نشان داده شده اند به خاطر اینکه شکل

آنها زیاد پیچیده نیست. آرایشهای موازی - سری یا سری -

سری نیز امکان پذیر می باشد) تمامی المانهایی که در یک ستون

قرار دارند، شیفیت فاز یکسانی را برای هدایت بیم در زاویه سمت

به کار می گیرند. همچنین: تمامی المانهایی که در یک ردیف قرار

دارند، شیفیت فاز یکسانی را برای هدایت بیم در زاویه ارتفاع به

کار می گیرند. در نتیجه شیفیت فاز المانی با مختصات mn مجموع

فازهای مورد نیاز در m امین ستون برای هدایت بیم در زاویه

سمت و n امین ردیف برای هدایت بیم در زاویه ارتفاع می باشد.

این مجموع می تواند در کامپیوتر محاسبه شود و به هر المانی با

مختصات mn در آرایه ارسال شود. متناوباً اگر یک جمع کننده در

هر شیفیت دهنده فازی به منظور ترکیب فازهای زوایای سمت و

ارتفاع، وجود داشته باشد. $M+N$ سیگنال می تواند ارسال شود.

شکل ۱۰-۳- آرایه صفحه ای با مرور حجمی شیفت فاز در دو

محور مختصات زاویه ای

در تغذیه سری - سری هرکدام از ستونها در یک آرایه $M \times N$ یک

آرایش سری را برای هدایت در یک محور مختصات به کار می

گیرد (زاویه ارتفاع). یک تغذیه سری جداگانه برای ایجاد فاز

مناسب برای هر ستونی و به منظور هدایت در مختصات

مستطیلی (زاویه سمت) مورد استفاده قرار می گیرد. یک قسمت از

$M+1$ تغذیه سری به کار برده می شود. وقتی که فازهای زوایای

سمت و ارتفاع با همدیگر جمع نشوند، آنالیز فرمانهای شیفت

دهنده های فاز ساده خواهند شد. در عوض، شیفت دهنده های فاز

یک تغذیه تنها، هدایت زاویه سمت را انجام می دهند در حالی که

تغذیه های هر ستونی هدایت زاویه ارتفاع را انجام می دهند.

در آرایه مسطح سری - سری، تمامی شیفت دهنده های فاز سری

در صفحه ارتفاع، دارای یک مقدار یکسان می باشند. و تمامی

شیفت دهنده های فاز سری در صفحه زاویه سمت نیز دارای یک

مقدار یکسان می باشند. بنابراین فقط دو سیگنال کنترلی، مورد نیاز می باشد. فرمانهای هدایت توسط $M-1$ شیفت دهنده فاز اضافی، کم هزینه می شوند و در یک آزمایش سری افت افزایش می یابد. زمانی که تقویت کننده های قدرت مجزا، در هر المان یک آرایه فرستنده یا گیرنده های مجزا، در هر المان یک آرایه گیرنده به کار روند، آرایه های تغذیه سری مفید خواهند شد. یک روش برای انجام هدایت بیم در سطوح پایین قدرت، استفاده از فقط یک آرایه تغذیه سری در فرکانس f_1 به منظور ایجاد فازهای θ_n زاویه سمت می باشد. در هر المانی، سیگنال در یک مسیر با جمع شدن سیگنال ارسالی از یک آرایه تغذیه سری در فرکانس f_1 برای ایجاد فاز θ_m زاویه ارتفاع، تقویت می شود. مجموع سیگنال در فرکانس $f_1 + f_2$ به عنوان فرکانس حامل به کار می رود. این فرکانس دارای فاز مناسب $\phi_m + \phi_n$ در هر المانی به منظور هدایت در دو محور مختصات می باشد. لیکن شاید توسط یک تقویت کننده قدرت در فرستنده تأمین شود، یا ممکن است برای حصول

فرکانس اسلاتور محلی در گیرنده بکار رود. فقط تعداد $M+N-2$ شیفت دهنده فاز مورد نیاز می باشد. اما میکسر و تقویت کننده قدرت مورد نیاز در هر المان بر مشکل می افزاید. این نوع تغذیه گاهی اوقات (تغذیه ماتریکس میکسر) نامیده می شود. یک روش مناسب برای رسیدن به مرور دو بعدی، استفاده از مرور فرکانس در یک محور مختصات زاویه ای و شیفت دهنده های فاز برای مرور در محور مختصات زاویه ای مستطیلی می باشد.

تغذیه وابسته به مکان (space feeds)

دو نوع اساسی از تغذیه های وابسته به مکان موجود می باشد، خواه مشابه با یک لنز باشد، خواه مشابه با یک منعکس کننده. آرایه لنزی، شکل ۱۱-۳ همانند یک آنتن لنزی از یک تغذیه کننده اولیه تغذیه می شود.

شکل ۱۱-۳- اصول کار آرایه لنزی

یک آرایه از المانهای آنتن، انرژی تشعشعی را جمع آوری می کند و آن را از بین شیفت دهنده های فاز عبور میدهد. به همین خوبی

شیفت فاز خطی به منظور هدایت بیم در زاویه، روی شکاف رفت و آمد میکند.

آرایش دیگری از المانهای مقابل ساختار، بیم را به داخل فضا تشعشع می کند. پترن اولیه از روشنایی تغذیه وابسته به مکان، دامنه taper را تولید می نماید. تشعشع ناشی ناشی از تغذیه، به هر حال، می تواند در گلبُرگهای فرعی بالاتر در یک آرایه با یک تغذیه اجباری معمولی، نتیجه دهد. یک آرایه با تغذیه وابسته به مکان می تواند انبوهی از بیمها را فوراً و به آسانی تولید نماید. مثلاً برای اندازه گیری زاویه ای مونوپالسی به جای استفاده از شبکه تغذیه پیچیده در یک آرایه معمولی، از شاخکهای چندگانه یا یک تغذیه چند مدی استفاده میشود.

دو نوع آرایش از تشعشع کننده ها در آرایه لنزی مورد نیاز و تطبیق شده

وجود دارد (یکی در جلو و یکی در عقب). عمل تطبیق و پتانسیل برای راندمان پایین تر افزایش می یابد. تغذیه ممکن است به

منظور جلوگیری از انعکاس پشت لنز، دور از محور قرار داده شود. کم کردن تعدادی از شیفت دهنده های فاز در یک آرایه لنزی

توسط باریک کردن تعدادی از تشعشع کننده های خروجی، امکان

پذیر می باشد. این عمل، توسط ترکیب جفتهایی از المانهای

ورودی و تغذیه خروجی، انجام میشود. المانهای باریک شده به

جای این که در مرکز باشند و بتوانند در مرکز، چگالی taper را

تولید کنند، در نزدیکی قسمت بیرونی آنتن قرار دارند (بخش ۱۰-)

۳). این شیوه، در حالی که تعداد شیفت دهنده های فاز را کاهش

می دهد، کلاً در بهره پایین تر و گلبرگهای فرعی خیلی بالاتر

نتیجه می دهد. یک آرایه انعکاسی تغذیه مکانی با یک تغذیه

اجباری در شکل ۱۲-۳ نشان داده شده است.

شکل ۱۲-۳- آرایه انعکاسی

انرژی داخل المانهای آنتن می شود، از میان شیفت دهنده های فاز

عبور می کند، و دوباره برمی گردد. یک بار دیگر از میان شیفت

دهنده هیا فاز عبور می کند، و سپس تشعشع میکند. همانند آرایه

لنزی، شیفت دهنده های فاز به منظور هدایت بیم، یک توزیع فاز
خطی را به کار می گیرند. زیرا انرژی دو بار از میان شیفت دهنده
های فاز عبور می کند، آنها فقط نیمی از توانایی شیفت فاز را در
ارایه لنزی یا در آرایه معمولی نیاز دارند. به عبارت دیگر 180° از
شیفت فاز یک طرفه، به جای 360° کافی می باشد.
شیفت دهنده های فاز، در هر صورت باید دوطرفه باشند. همانند
عملکرد آرایه لنزی، بیمهای متعددی می تواند توسط تغذیه های
اضافی تولید شوند. آرایه لنزی در طراحی و ساخت از آزادی
عمل بیشتری نسبت به آرایه انعکاسی برخوردار است. اما سطح
پشتی آرایه انعکاسی برای ایجاد کنترل شیفت دهنده فاز، کار را
آسان تر می کند و همچنین این سطح اجزاء ساختاری را به
حرکت و امی دارد و عمل انتقالی حرارتی را انجام می دهد.
به طور کلی آرایه هایی با تغذیه وابسته به مکان نسبت به آرایه
های معمولی، ارزان تر می باشند. زیرا این آرایه شبکه های تغذیه
خط انتقال را حذف می کند و فقط از یک فرستنده و یک گیرنده به

جای استفاده از یک فرستنده و یک گیرنده توزیعی در هر المان، استفاده می کند. یک آرایه با تغذیه وابسته به مکان ممکن است از یک آرایه با تغذیه اجباری، ساده تر باشد، اما یک ایراد در کنترل روشنایی شکاف در ماکزیمم توانایی قدرت آرایه خواهیم داشت. بنابراین قابلیت تشعشع پر قدرت توسط به کارگیری یک فرستنده در المان، در این نوع پیکره بندی به هدر می رود.

تغذیه صفحه موازی (parallel-plate feeds)

یک آنتن جعبه ای تا شده (شکل ۱۳-۳) یک هورن صفحه موازی، یا دیگر وسایل مشابه مایکروویوی می توانند برای توزیع در بین المانهای آنتن مورد استفاده قرار گیرند. سیستمهای تغذیه راکتیو (واکنش پذیر) نیز موجود هستند. آنها اساساً با یک آرایه خطی کار می کنند و شاید برای تغذیه یک آرایه مسطح نیز در کنار هم باشند.

شکل ۲۳-۳-a) نمونه ای از آنتن جعبه ای (b) که به عنوان تغذیه

برای یک آرایه به کار می رود.

آرایه جانشین (subarrays)

بعضی اوقات تقسیم یک آرایه به آرایه های جانشین عمل مناسبی

می باشد. به عنوان مثال، آرایه AEGIS AN/SPY-1 ۳۲ آرایه

جانشین فرستنده و ۶۸ آرایه جانشین گیرنده را در اندازه های

متفاوت به کار می گرفت. یکی از دلایل تقسیم آرایه فرستنده به

آرایه های جانشین، ایجاد یک فرستنده توزیعی می باشد. در آرایه

AEGIS یک تقویت کننده قدرت خیلی قوی تمامی ۳۲ آرایه ها

جانشین فرستنده را تغذیه میکند. ارسال فرمانهای هدایت فاز

یکسان برای المانهای مشابه در هر جانشین آرایه، نیز امکان پذیر

می باشد. در نتیجه این عمل باعث می شود که در واحد هدایت بیم

و کابل واسطه بین آرایه و واحد هدایت، تسهیل صورت گیرد.

واژه آرایه جانشین برای شیکه های تغذیه آرایه و به منظور تولید

المانهای تشعشعی گوناگون، نیز مورد استفاده قرار گرفته است.

۷-۳- بیمهای چندگانه همزمان در آنتن های آرایه ای

یکی از ویژگیهای آرایه فازی، قابلیت تولید بیمهای چندگانه مستقل و همزمان از یک شکاف منفرد می باشد. عمدتاً یک آرایه N المانه می تواند N بیم مستقل را تولید نماید. بیمهای چندگانه، عملکرد موازی را جایز می شمردند. و می تواند در اثر تنها یک بیم، به نرخ اطلاعات بالتری برسند. بیمهای چندگانه ممکن است در فضا ثابت شوند، یا به طور مستقل و یا به صورت گروهی هدایت شوند (مانند اندازه گیری زاویه ای تک پالس).

بیمهای چندگانه ممکن است در فرستندگی و به خوبی حالت گیرندگی، تولید شوند. در بعضی کاربردها تولید بیمهای چندگانه فقط در گیرندگی مناسب می باشد. در حالت فرستندگی نیز با یک پترن تشعشعی عریض که شامل تمامی پوشش بیمها می باشد، این عمل مفید است.

قابلیت برای تشکل چندین بیم، معمولاً آسانتر از دریافت انرژی از فرستنده است. وقتی که این روش، روش مفیدی در عملکرد یک آرایه در بسیاری از کاربردهاست، بنابراین محدودیت محسوب

نمی شود. یک ارایه خطی ساده که فقط یک بیم تولید می کند. با وصل نمودن شیفت دهنده های فاز اضافی به خروجی هر عنصر،

می تواند به یک آنتن چند بیمه تبدیل شود (شکل ۱۴-۳). این نوع

آرایه با سه عنصر نشان داده شده است، همراه با سه دستگاه

شیفت دهنده فاز. یکی از این شیفت دهنده های فاز، بیمی در جهت

بروساید ارایه ($\theta = 0$) تولید مینماید. یکی دیگر از این شیفت دهنده

های فاز، بیمی در جهت $\theta = +\theta$ تولید میکند. زاویه θ توسط

رابطه $\theta = \sin^{-1}(\Delta\phi\lambda/2\pi d)$ مشخص می شود، که $\Delta\phi$ اختلاف فاز

میان عناصر مجاور می باشد.

تقویت کننده ها ممکن است در میان عناصر خاصی از ارایه قرار

بگیرند و شبکه های تشکیل بیم (شیفت فاز) و سیگنال را تقویت

کنند تا افت در شبکه های تشکیل بیم جبران شود. خروجی هر

تقویت کننده مجدداً به سیگنالهای مستقل تقسیم می شود، که این

سیگنالها به طور مخصوصی آماده شده اند.

شکل ۲۴-۳- شکل گیری بیم همزمان پس از تقویت کننده؛ $\phi = \text{فاز}$

ثابت

$$|2\pi(d/\lambda \sin \phi)| = |\phi - \phi| = |\Delta\phi|$$

تشکیل بین بعد از تقویت کنندگی

زمانی که بیمهای دریافتی در شبکه های جا گرفته پشت تقویت

کننده های ، تشکیل می شوند (شکل ۱۴-۳) این آنتن، گاهی اوقات

یک آرایه تشکیل بیم بعد از تقویت کنندگی. نامیده می شود و

مخفف شده آن PABFA میباشد. یک آنتن فرستنده مجزا، ممکن

است برای روشنایی پوشش حجمی توسط بیمهای دریافتی

چندگانه به کار رود یا متناوباً ممکن است، چندین بیم فرستنده

مشابه با بیمهای دریافتی چندگانه، عناصر تشعشعی همان آرایه

را مورد استفاده قرار دهند. توجه شود که اگر بیمهای ارسالی

چندگانه در یک فرکانس خاص، تماس بر یکدیگر باشند. پترن

ارسالی مرکب شبیه پترنی می باشد که از یک بیم منفرد حاصل

شده است. و این بیم منفرد شامل همان ناحیه موزون به بیمهای

ارسالی چندگانه می باشد.

شبکه تشکیل بیم دریافتی ممکن است در IF و یا در RF باشد. بهره برداری از خطوط تأخیر، یک روش مناسب برای ایجاد بیمهای چندگانه در IF بوده است. وقتی که فاز در انتقال فرکانس RF به IF حفظ شده است، تشکیل بیم در IF امکان پذیر می باشد، (به غیر از شیفت ثابت ارائه شده توسط آسیلاتور محلی عمومی). آرایه تشکیل بیم بلاس (Blass beam - forming array)

مبنای کار تشکیل بیم RF (شکل ۱۵-۳) در ASHR-۱ مورد استفاده واقع شده است. یک نوع از رادار ارتفاع سنج پیشرفته برای نیروی هوایی آمریکا ساخته شد. طول انتقال موجبری به منظور خدمت تأخیر به کار گرفته شده بود. در اختصاص دادن نقاط توسط کوپلرهای جهتی و به منظور تشکیل بیمها در زوایایی ارتفاع مختلف، انرژی از هر موجبری دریافت شده بود. وجود موجبر در این طرح، مهم تلقی شده بود. برای تولید ۳۳۳ بیم مستقل، ارتفاع سنج بلاس، ۳۰ مایل موجبر S-

band را مورد استفاده قرار می دهد.

آرایه تشکیل بیم باتلر (Butler beam - forming array)

دیگر وسیله تشکیل بیم RF، شبکه ای موازی می باشد که آن را به باتلر نسبت می دهند. و به طور مستقل توسط شلتون کشف شده است. این شبکه، شبکه ای با افت کم است که کوپلرهای جهتی ۳dB یا اتصالات هایبریدی را همراه با شیفیت دهنده های فازی ثابت و به منظور تشکیل N بیم مماس در یک آرایه N المانه به کار می گیرند. N یک عدد صحیح است که با بعضی از توانهای ۲ بیان می شود. ($N = 2^p$). کوپلر جهتی ۳dB، یک اتصال چهار پورته است و دارای این ویژگی می باشد که اگر سیگنالی داخل یکی از پورتهای شود. قدرتش بین دو پورت دیگر به طور مساوی تقسیم خواهد شد و در پورت چهارم هیچ توانی ظاهر نخواهد شد. بین آن دو سیگنالی که توانشان به طور مساوی تقسیم شده بود، اختلاف فاز ۹۰° ایجاد میشود. به طور مشابه اگر سیگنالی وارد پورت چهارم شود، قدرتش بین همان دو پورت قبلی به طور

مساوی تقسیم خواهد شد همراه با اختلاف فاز 90° و در پورت

اول هیچ گونه توانی ظاهر نخواهد شد.

اختلاف فاز مربوطه: در این حالت، در مقایسه با اختلاف فاز

حاصله در حالتی که سیگنال وارد پورت اول می شد دارای

علامت مخالف است.

یک آرایه دو الکانه ساده را با فاصله المانی نصف موج بررسی

می کنیم. به دو پورت مربوطه، کوپلرهای جهتی 3dB را وصل می

نمائیم (شکل ۱۶-۳). اگر سیگنال وارد پورت شماره ۱ شود،

شیفت فاز 90° حاصله میان سیگنالها در پورتهای ۲ و ۳، یک بیم

زاویه 30° و در سمت راست آرایه تولید خواهد کرد. سیگنال

ورودی در پورت شماره ۴، یک توزیع فازی را نتیجه می دهد که

این فاز یک بیم در زاویه 30° و در سمت چپ آرایه تولید میکند.

بنابراین این آرایه دو المانه ساده همراه با یک کوپلر 3dB ، دو بیم

مستقل تولید می کند.

شکل ۱۶-۳- کوپلر جهتی ۳dB که دو بیم در آرایه المانه تولید می نماید.

آرایه دو المانه، نمونه پیش پا افتاده ای از آنتن تشکیل بیم باتلر می باشد. شکل ۱۷-۳ مدار یک آرایه هشت المانی که هشت بیم مستقل را تولید می کند، نشان می دهد. این مدار دوازده کوپلر جهتی و هشت شیفت دهنده فاز ثابت را به کار می گیرد. ماتریس باتلر دارای 2^p ورودی و 2^p خروجی می باشد.

تغییر شکلهای جزئی در آرایه باتلر و برای تعدادی از المانها پیشنهاد داده شده بود. اما نتیجه حاصله از شبکه ای تشکیل بیم، لزوماً دارای کمترین افت نمی باشد. تعداد کوپلرهای جهتی یا هیبریدی مورد نیاز برای یک آرایه N المانه برابر است با $(N/2)\log_2 N$ ، و تعداد شیفت دهنده های فاز ثابت مورد نیاز برابر است با: $(N/2)(\log_2 N - 1)$

شکل ۱۷-۳- ماتریس تشکیل بیم باتلر با هشت المان

شبکه تشکیل بیم باتلر از نظر تئوری دارای کمترین افت می باشد،

به عبارت دیگر، قدرت به هیچ وجه در این شبکه، عملاً تلف نمی

شود. همیشه یک سری افت‌های محدود، به خاطر وجود افت‌های

ذاتی در کوپلرهای جهتی، شیفت دهنده های فاز، و خطوط انتقالی

که شبکه را تشکیل می دهند، وجود خواهد داشت. به عنوان مثال،

یک شبکه ۱۶ المانه در فرکانس ۹۰۰MHz، افتی معادل 0.74dB

دارد، که تمامی آن به خاطر وجود خطوط انتقال باریک (Strip) در

شبکه می باشد. در یک آنتن پسیو که دارای کمترین افت است و

چندین بیم را از یک روزنه ساده و معمولی تشعشع می کند، نشان

داده شده است که پترن تشعشعی و سطح تقاطع بیم‌های مجاور،

مستقل از هم مشخص شده اند. با روشنایی یکنواخت، مثلاً در

آرایه باتلر، سطح تقاطع $3/9\text{dB}$ زیر سطح ماکزیمم می باشد.

این مطلب مستقل از موقعیت بیم، فاصله المانها و طول موج می

باشد. سطح تقاطع پایین در آرایه باتلر، یکی از مزایای آن محسوب

میشود. اگر شبکه ای که دارای کمترین افت است، می توانست با یک روشنایی کسینوسی به نتیجه برسد، به خاطر این که سطوح گلبگ فرعی را کاهش دهد، سطح تقاطع شاید حتی بدتر نیز می شد (سطحی معادل $-9/5\text{dB}$).

با ترکیب بیمهای خورجی در شبکه ها و با مدارات اضافی، شبکه تشکیل بیم باتلر می تواند به منظور تولید روشنایی های دهانه که در گلبگهای فرعی پایین تر نتیجه می دهد، تغییر پیدا کند. پهنای بیم، عریض تر شده است، بهره پایین تر آمده است، و شبکه از نظر تئوری دارای کمترین افت نیست. مجموع دو بیم مجاور در یک آرایه باتلر، با یک اصلاح فاز مناسب، در یک آرایه با روشنایی کسینوسی، نتیجه میدهد. سطح تقاطع پایین تر از شبکه بتا کمترین افت می باشد، اما اولین گلبگ فرعی به جای $-13/2\text{dB}$ مقدار -23dB را دارد.

ملاحظات سیستم (System Considerations)

یکی از ویژگیهای جذابی که برای یک آرایه تشکیل بیم چندگانه ادعا می شود، استفاده بسیار از شیفتهای فاز می باشد.

اینها در هر صورت توسط چندین گیرنده و به ازاء هر بیم، یک گیرنده جایگزین می شوند. اینها می توانند در یک تجارت

پرهزینه، به کار روند. اگر به جای یک گیرنده در بیم، فقط یک یا تعداد کمی گیرنده روی تمامی پوشش زمان بندی شوند، فقط

مقداری از سوئیچینگ مورد نیاز می باشد. اگر شرایط برای سرعت سوئیچینگ و انعطاف پذیری مشابه با یک رادار آرایه

فازی هدایت الکترونیکی معمولی باشد، مسئله سوئیچینگ یک گیرنده بین بخشهایی از آرایه تشکیل بیم، شاید به اندازه ایجاد

شیفته فاز در یک رادار آرایه معمولی، مشکل باشد.

در بازبینی با یک بیم فرستندگی ثابت با پهنای θ_i و یک رقم N

ثابت، بیم های گیرندگی نازک با پهنای θ_i همان حجم از فضا را

پوشش می دهند ($N\theta_i = \theta_i$). بهره آنتن فرستنده در سیستم چند

بیمه $\frac{1}{N}$ بهره در سیستم مرور تک بیمه می باشد. کاهش بهره

آنتن فرستنده در یک رادار چند بیمه جبران می شود. بهره آنتن

فرستنده در سیستم چند بیمه برابر است با $\frac{1}{N}$. بنابراین

نسبت سیگنال به نویز در پالس رادار چند بیمه کمتر از نسبت

سیگنال به نویز در رادار مرور بیم می باشد. اگر این N پالس مثلاً

در یک شناسایی مقدماتی، بدون افت تلفیق شوند.

مجموع سیگنال به نویز در رادار چند بیمه، برای بهره فرستندگی

کمتر جبران میشود. بنابراین رادار چند بیمه و رادار مرور بیم،

قابلیت آشکارسازی یکسانی دارند، نرخ دیتاهای ایجاد شده

یکسانند و کاملاً بدون افت می باشند. نرخ دیتا در اینجا همانند

بازبینی زمان در یک رادار مرور بیم مشخص است و در یک رادار

چند بیمه این زمان، همان زمانی است که مجموعه تمامی پالسها

در آن یکپارچه می شوند.

در عمل، محل آشکارسازی معمولاً مورد استفاده واقع میشود و

یک افت محدود نیز وجود خواهد داشت. در برخی از حالتها

سیستم مرور بیم، مزیتهایی نسبت به سیستم چند بیمه دارد.

در یک سیستم چند بیمه که یک بیم فرستندگی عریض را به کار می برد، برای روشنایی ناحیه پوشش توسط بیمهای گیرندگی مماس بر هم، استفاده از سطوح گلبزرگ فرعی دو مسیره که مشخصه اصلی آنتن رادار مرورگر معمولی می باشد، فایده ای ندارد. بنابراین استفاده از سیستم چند بیمه برای سرکوب کردن گلبزرگهای فرعی در بیمهای گیرندگی چندگانه، مطلوب می باشد. به منظور کاهش احتمالی اکوهای هدفهای بزرگ، توسط گلبزرگهای فرعی تک مسیره، استفاده از این سیستم مطلوب است. آنتن های آرایه ای چند بیمه با شمار زیادی از بیمهای همزمان. شاید به خاطر پیچیدگی سیستم های آن کاربرد وسیعی نداشته باشند.

به هر حال، آنها در رادارهای جستجوگر چرخان مکانیکی ۲D که تعداد کمی از بیمهای مماس بر هم را به کار می گیرند، کاربرد دارند و این بیمها در زاویه ارتفاع به منظور ایجاد محور زاویه ارتفاع، روی هم انباشته شده اند. در بعضی کاربردها، تأثیر بیمهای مستقل چندگانه می تواند توسط رادار آرایه فازی تک

بیمه، حاصل شود، که سرعت هدایت بین توسط این رادار، متغیر می باشد. به عنوان مثال، یک سلسله پالس مراتبی از پالسها می تواند در آغاز فرستندگی منتقل شود. با شروع هر پالس، انرژی در یک جهت متفاوت تشعشع می شود. این مطلب سوئیچ سریع شیفته دهنده های فاز را برای هدایت بیم در میان پالسها احتیاج دارد.

این مطلب همچنین در جایی که کوتاه بودن رنج، اهمیت ندارد، و دریافت انرژی نمیتواند فضایی را در طی انتقال پالسها اشغال کند، دارای کاربرد می باشد. بنابراین، این شیوه شاید برای رادارهایی با هدفهای دور دست، مناسب باشد، از قبیل جستجوگر ماهواره با BMD (Ballistic Missile Defense) پدافند موشک بالستیک). در دریافت، یک بیم گیرندگی مجزا باید برای هر جهت از فرستندگی تولید شود.

در یک کاربرد نظارتی، این موضوع ها می توانست بعضی از پیچیدگی های یک فرایند تشکیل بیم را داشته باشد. در یک رادار

آرایه فازی ردیاب، در هر صورت یک بیم گیرندگی زمان بندی شده می تواند به طور همزمان برای ردیابی بسیاری از هدفها در زوایای مختلف مورد استفاده قرار گیرد. وقتی که هدفها تحت تعقیب هستند، بردهای معین آنها مشخص می شود و بیم نیازمند شکل گیری در جهت مناسب می باشد، و این امر فقط در آن زمانی که برای بازگشت اکوی هدف انتظار می رود، صورت می پذیرد. در این روش، چندین هدف می توانند، در طی مدت میان پالس ردیابی شوند. شیفت دهنده های فاز می توانند به طور مؤثر و خیلی سریع سوئیچ کنند و یک کامپیوتر کنترلی برای به کار گرفتن مزایای ذاتی آرایه وجود دارد.

۸-۳- خطاهای تصادفی در آرایه ها

در آنالیز اثرات آنتن انعکاسی، فقط خطای فاز مورد بررسی قرار گرفته بود. در یک آرایه به هر حال، ممکن است عوامل دیگری باعث کج و کولگی پترن تشعشعی شوند. این خطاهای موجود در دامنه و فاز جریان المانهای خاصی از آرایه، المانهای بی قدرت و

ناپیدا را از موفقیت جدیدشان جابجا می کنند، و تغییراتی را در پترن ایجاد می نمایند. این خطاها می توانند از کاهش بهره،

افزایش گلبرگهای فرعی و جابجایی بیم اصلی، ناشی شوند. زمانی

که شناخت ماهیت دقیق خطاها همواره امکان پذیر نمی باشد و با

این خطاها در یک آنتن به خصوص موجه هستیم، ویژگیهای آنتن

باید در عبارت آماری توصیف شود. میزان متوسط یا حدسی

پترن تشعشعی، حاصله از مجموعه آنتن های مشابه می تواند در

آمارگیری خطاهای تصادفی مورد محاسبه واقع شود. توصیف

آماری خواص آنتن، نمی تواند برای آنتن بخصوصی بکار رود،

ولی برای مجموعه ای از آنتن های مشابه که خطاهایشان توسط

پارامترهای آماری یکسان بیان می شود، به کار می رود.

مجموعه توان متوسط پترن یک ارایه $M \times N$ یکنواخت با عناصر

ایزوتروپیک که در یک صفحه مستطیلی چیده شده اند و دارای

فواصل یکسان هستند، به صورت زیر بیان میشود:

$$|f(\theta, \phi)|^2 = p_c^2 e^{-\delta^2} |f(\theta, \phi)|^2 + [1 + \Delta^2] p_c^2 e^{-\delta^2} \sum_{m=1}^M \sum_{n=1}^N i_{mn}^2 \quad (3-24)$$

که در آن:

p_e = احتمال وجود یک عنصر موثر (یا کسری از عناصری که

فعالند)

δ = خطای فاز (توصیف شده توسط تابع چگالی احتمالی گوسی)

$|f(\theta, \phi)|^2$ = شدت پترن بدون خطا

Δ = دامنه خطا

i_{mn} = جریان بدون خطا در عنصر mn

بنابراین، نتیجه عملکرد خطاهای تصادفی، تولید توان پترن می

باشد که با ترکیب دو عبارت بیان می شود. عبارت اول بیان می

کند که شدت پترن بدون خطا در مجذور کسری از عناصر فعال و

در ضریبی متناسب با خطای فاز ضرب میشود. عبارت دیگر به

دامنه خطا و خطای فاز و نیز به احتمال p_e بستگی دارد. این

عبارت همچنین به روشنایی دهانه که توسط جریان i_{mn} داده شده

است، وابسته است. توجه شود که عبارت دوم مستقل از

محورهای مختصات زاویه ای ϕ, θ می باشد. این عبارت می تواند همانند یک پترن همه جهته آماری در نظر گرفته شود.

این پترن باعث می شود که گلبه‌های فرعی در حضور خطا زیاد شوند. و این مطلب در مقایسه با پترن بدون خطا، متفاوت است (گلبه‌های فرعی پترن بدون خطا کلاً با افزایش زاویه بروساید کاهش پیدا میکند بنابراین پس از گذشت از بعضی زوایا، پترن تشعشعی تحت الشعاع گلبه‌های فرعی محصول خطا قرار خواهد گرفت).

شکل بیم اصلی در نزدیکی گلبه‌های فرعی، نسبتاً تاثیر خطاها قرار نمی گیرد. هرچند که اندازه شان تغییر می کند. توجه شود که

ضریب i_{mn} نیز می تواند برای سنجش تاثیر خطاهای کوچک تصادفی در آنتن های آرایه ای به کار رود. برای $p_e = 1$ و خطاهای کوچک، پترن نرمالیزه شده، حاصله از معادله (۲۴-۳) و تقسیم شده به مقدار $|f(\cdot, \cdot)|^2$ برابر است با:

$$\overline{|f_n(\theta, \phi)|^2} = |f_{on}(\theta, \phi)|^2 (\Delta^{-2} + \delta^{-2} \frac{\sum_m \sum_n i_{mn}^2}{(\sum_m \sum_n i_{mn})^2}) \quad (25-3)$$

عبارت دوم در این معادله نشان می دهد که هر قدر تعداد عناصر زیادتر شود، سطح گلبرگ فرعی آماری، کوچکتر خواهد شد. شدت بیم اصلی، همدوس با مجذور تعداد همدوس مستقیماً با خود تعداد عناصر افزایش می

یابند. بهره یک ارایه بروساید عناصر ایزوتروپیک برابر است با:

$$G = \frac{(\sum_m \sum_n i_{mn})^2}{\sum_m \sum_n i_{mn}^2} \quad (2-26)$$

توجه شود وقتی i_{mn} ثابت است، $G = MN$ می باشد)

پس پترن نرمالیزه شده معادله ۲۵-۳ می تواند به صورت زیر بیان شود:

$$\overline{|fn(\theta, \phi)|^2} = |f_{-n}(\theta, \phi)|^2 + \frac{(\overline{\Delta^2} + \overline{\delta^2})}{G} \quad (3-27)$$

هر قدر که بهره آنتن بزرگتر باشد، تأثیر خطاها بر رو یگلبرگهای فرعی کمتر خواهند شد.

با قرار دادن بهره (یا دایرکتیویته) به جای شدت پترن در معادله (۳-۲۴)

خواهیم داشت:

$$G/G_c = \frac{P_c}{(1 + \overline{\Delta^2} \exp(-\overline{\delta^2}))} \approx \frac{P_c}{1 + \overline{\Delta^2} + \overline{\delta^2}} \quad (3-28)$$

توجه شود که کاهش نسبی در بهره مستقل از تعداد المانهاست و فقط به

آن دسته از المانهایی که فعالند و معادل با مجذور خطاها می باشند، بستگی

دارد.

با افزایش سطح گلبیگ فرعی، خطاهای دامنه و فاز تصادفی در پراکندگی روزنه، موجب ایجاد یک خطا در موقعیت بیم اصلی می شود Rondonelli نشان داده است که برای یک توزیع دامنه ای یکنواخت پیرامون یک آرایه مربعی $M \times M$ خطای مکانی بیم به صورت موثر و آماری، به قرار زیر است:

$$\delta\theta = (\theta) = \frac{\sqrt{3}\delta}{(kd_e)M^2} \quad (3-29)$$

که در آن:

δ = مقدار موثر خطای جریان نرمالیزه شده که به صورت خطاهای توزیعی رایلی می باشد.

$$2\pi/\lambda = K$$

$$d_e = \text{فاصله المانها از یکدیگر}$$

$$M = \text{تعداد المانها در یک بعد از آرایه}$$

زاویه فاز به صورت توزیع یکنواخت در نظر گرفته میشود. معادله (۳-۲۹)

یک خطای 0.22×10^{-4} رادیان ($\sim 0.001^\circ$) را برای یک آرایه نورسنج

یکنواخت 100×100 المانه با پهنای بین تقریبی ۱ و $\delta = 0.4$ نشان می دهد.

آنالیز leichter در خطاهای مکانی بیم، برای یک منبع خطی پیوسته، انجام

شده بود. اما شاید برای یک آرایه خطی نیز به کار رود. هر دو توزیع

یکنواخت و توزیع متغیر تایلر (Tylor) بررسی شده بودند. توزیع فاز و دامنه توسط توزیع گوسی، توصیف شده بودند و این دو توزیع مستقل از یکدیگر بودند. یک مثال از نتایج Leicher برای یک توزیع دامنه ای یکنواخت در شکل ۳-۲۸ نشان داده شده است.

شکل ۳-۱۸- تعیین σ_δ در مقایسه با θ/θ_1 که σ_δ خطای فاز موثر است، همانند خطای مکانی، در فاصله $(-\theta, \theta)$ با احتمال $p(\theta)$ برای آرایه هایی با فواصل المانی $\lambda/2$ خط های توپر برای $p(\theta) = 0.95$ و خط چین ها برای $p(\theta) = 0.99$ می باشد. $\theta =$ زاویه اولین صفر و $D =$ قطر آنتن

چنین نتیجه گیری، ممکن است از مطالعات و تحقیقات گوناگون پیرامون خطاهای توصیف شده، برای آنتن های آرایه ای که در بکارگیری به نظر مفید می آیند، ناشی شوند:

۱- هر قدر تعداد المانها (MN) در آرایه زیادتر شود، تشعشع کاذب برای یک تحمل خطای مفروض و سطح گلبرگ فرعی طراحی شده، کمتر خواهد شد. به عبارت دیگر، گلبرگهای فرعی پایین تر برای آنتنهای بزرگتر، مناسب تر عمل می نمایند. این موضوع به این دلیل اتفاق می افتد که شدت بیم اصلی مانند مجذور شماره المانها $(MN)^2$ افزایش می یابد. در حالی که تشعشع کاذب فقط به صورت خطی افزایش می یابد.

۲- بالا رفتن سطح گلبه‌گ فرعی متناسب با خطاهای تصادفی، مستقل از

زوایه مرور بیم می باشد.

۳- هر قدر که سطح گلبه‌گ فرعی طراحی شده، پایین تر باشد، افزایش

گلبه‌گهای فرعی، بیشتر خواهد شد، با در نظر گرفتن اندازه یک آنتن

مفروض و یک تحمل خطای مفروض.

۴- در یک آرایه دو بعدی، بیشترین خطای تصادفی مهم، در جابجایی

موقعیت المانهای دیپل می باشد. خطاهای جریانهای به کار گرفته شده در

المانها، در درجه دوم اهمیت قرار دارند. موقعیت زاویه ای المانهای دیپل،

نسبتاً بی اهمیت می باشند.